

درباره

روشنشناسی

مراکز تجمع انسانی در سراسر کره مسکون بر اثر ظهور ماشین و بدنبال انقلاب صنعتی دچار انقلابی دموگرافیک شد که نخستین مظاهر آن پیدایش شهرهای پرجمعیت بود. عدد شهرهای یکصد هزار نفری و بیش از آن در حال حاضر و از دو قرن پیش باینطرف بهیچروی قابل مقایسه با پیش از آن نمی باشد و بطور کلی وجود مراکز تجمع دوست هزار نفری بیالا و ظهور شهرهای نیم میلیونی بیالا پدیده ای تازه و خاص قرن اخیر است.

باینترتیب نیازمندیهای صنعت و پیش از همه تأمین خدمه و ارتباطات آن نه تنها موجب ظهور مراکز پرجمعیت شد بلکه درجه تراکم جمعیت را در سراسر جهان برهم زد.

توزیع جغرافیائی این مراکز تجمع جدید و شهرها و نقاط پرجمعیت جز در نواحی ذاتاً پرجمعیتی مانند آسیای جنوبی و جنوب شرقی رابطه مستقیمی با درجه صنعتی شدن نواحی و مناطق جغرافیائی دارد بطوریکه پرجمعیت ترین شهرها را می توان در صنعتی ترین مناطق جهان سراغ گرفت. درین صورت شك نیست که تعداد نسبی این قبیل مراکز تجمع در کشورهای صنعتی نشده و یا توسعه نیافته در مقایسه با کل مراکز تجمع ناچیز خواهد بود.

انقلاب صنعتی و بدنبال آن انقلاب دموگرافیک صرف نظر از علل و موجباتشان دویاز آنی را با خود اعلام داشتند:

- ۱- مواد اولیه کشاورزی بیشتر و خیلی هم بیشتر مورد مصرف صنایع جدید.
- ۲- مواد غذایی بیشتر و خیلی هم بیشتر مورد مصرف جمعیت های اضافی و مراکز تجمع پر مصرف تازه.

ایندو نیاز از بدو انقلاب صنعتی تا امروز هرگز کاستی نیافته و بطور کلی روز افزون اند و جوامع مترقی ناگزیر از تبعیت از آن واجابت آن می باشند.

هردوی آنها منجر بتوسعه فضای کشاورزی و حیاتی تازه و بالا بردن هر چه بیشتر تولید و بازده زمین شده و موجب امعان نظر و بذل توجهات علمی شدیدی به مکانیزاسیون زراعی و به امر به گزینی در بندر و نهال و به کردن خاک و اصلاح وضع آبیاری و خشکاندن باتلاقها و زه کشی و افزایش مصرف کود و غیره گردید.

رشد اقتصاد صنعتی همراه با نیاز صنایع بمواد اولیه زارعین بازارهای خرید و مشتریان تازه‌ای را برای کشاورزان سراسر جهان تأمین کرد بحدی که **کشت‌ملی و بومی** تحت الشعاع **کشت تجاری** قرار گرفت و در هر منطقه مستعد بمحض آنکه تأمین غذائی باتکای منابع داخلی و خارجی حاصل می‌شد اراضی زیر کشتهای ملی و بومی را بدست **کشتهای سود آور و تجاری** میسپردند. تا آنجا که نتایج این امر برای بعضی کشورها تهدید آمیز تلقی گردید چه اقبال زارعین به کشتهای سود آوری مانند پنبه تأمین مواد غذائی کشاورزی محل بخطر می‌انداخت.

باینترتیب صنعت پیش از پیش بکشاورزی محتاج شد و کشاورزی مکانیزه هم بیش از پیش بآن وابسته و به خریدهای آن معتاد و هم افق گردید ضمن آنکه تغذیه جمعیتی کثیر و مصرفی بالاتر را هم بعهده گرفت.

مجموعه این شرایط و اوضاع و احوال ظهور مرحله تازه‌ای را در زندگی بشری اعلام میداشت که طی آن انسان با همه ترقیات حاصله از علوم خویش بیشتر از هر زمان به زمین‌زیرپای خود اسیر و محتاج شده و لازم آمد هر چه دقیقتر محیطها و قلمروهای حیاتی خود را بشناسد تا با معرفت با استعدادات بالقوه آن بهتر و موفق‌تر از هر زمان بتأمین و رفع نیازمندیهای خویش بپردازد. جاذبه سود فراوان کشتهای تجاری مورد نیاز صنعت جدید و جوامع صنعتی بسیاری از کشورها را بمطالعه و بسیاری از صاحب‌نظران را بمناقشه و جدال در انتخاب دو راه: کشاورزی و یا صنعت کشاند. سرانجام بحث درباره اینکه يك کشور بهتر است صنعتی باشد یا زراعی از صورت مبتذل خویش بدر آمد و این حقیقت که کشاورزی منشاء حیات مدنی است و حتی صنعت بی آن قادر بادامه حیات نیست مرکز ذهن عالم و عامی گردید بعلاوه تصدیق که مکانیزاسیون و توسعه زراعت نیز بی توجه بصنعت جدید غیر ممکن است.

درین میان واقعیت دیگری نیز چشمها را خیره داشت که وجدانها نیز نمی‌توانستند از آگاهی بآن سرباز زنند: صنعت جدید چهره و سطح زندگی انسانی را در نواحی مختلف و درجه تمتع آنها را از رفاه خاص روزگار جدید متفاوت داشته و اختلاف عظیمی میان نواحی صنعتی و غیرصنعتی و شهرهای بزرگ و کوچک و بویژه شهرها و روستاها ایجاد کرده بود.

روستاها از دور افتاده‌ترین تا نزدیکترین آنها هنوز هم آثار و عقد يك اقتصاد بسته را بر پیشانی دارند. وجود سیستم چند کشتی دال برینست که جامعه روستائی قبل از هر چیز بایستی قائم بالذات و مستقل بوده و فی‌نفسه تاب مواجهه با بحرانهای ناشی از تورم کالا را دارا باشد. بهمین دلیل تا زمانیکه از بابت بازار و ارتباطات اطمینان نیابد متوجه کشت تجاری و خاصه تک کشتی نمی‌شوند. این شرایط روستاها را در مقابل شهرها که جز **مظهر ارتباطات** نیستند خصیصه میدهد و آنها را از یکدیگر متمایز و متفاوت می‌سازد. بعبارت دیگر خصیصه **روستا** در آنستکه قبل از هر چیز کشاورز است و انگهی می‌تواند بدون تکیه و نیاز به شهر به حیات خود ادامه دهد در حالیکه شهری وجود روستا و بدون تمتع از منابع آن محکوم به نابودی است.

دنیای جدید تحت تأثیر کسور همین نیاز صرفاً اقتصادی مجبور شد رابطه خود را هر چه بیشتر با روستاها توسعه دهد و با اعلام این نیاز روستاها را هر چه بیشتر به مراکز صنعتی و شهری مرتبط ساخته پرچم عمران روستائی را برافرازد. تنها درین صورت و تحت همین دو عنوان است که می توان تولید تجاری را در روستاها رونق داد و از خطر تعطیل صنایع جدید و قحطی مراکز تجمع خاصه شهرهای پر جمعیت و گرسنگی اضافه جمعیت ها جلوگیری بعمل آورد.

و لکن افزایش تولید و توسعه عمران روستاها بدون شناسائی هر چه دقیقتر و علمی تر و همه جانبه تر آنها غیر ممکن است. تجربیات تاریخی حداقل این نکته را در زندگی ملل کشاورز ثابت داشته که هر قوم به تناسب علم و اطلاعی که از استعدادات خاک و آب و هوا و مردم محیط خود داشته است بر میزان بازده تولیدی خویش نیز افزوده است.

با توجه به ظلمت مشکلات دنیای جدید بدون هر گونه مبالغه می توان اعلام داشت که بقای جهان ما و دوام دنیای صنعتی و تحمل جمعیت های اضافی در حقیقت باری است بدوش روستاهای سراسر جهان. سخن بر سر اینست که میزان بازده تولیدات روستائی را بالا بریم و بر سطح و قلمرو زیر کشت میفزائیم و خلاصه تولیدات کشاورزی را از طریق فعالیت در سطح و در عمق اضافه کرده ضمن تأمین غذای مردم و مواد اولیه زراعی صنایع جدید سطح زندگی مردم روستاها را نیز که بسبب دوری و مهاجوری از مراکز قدرت و فرهنگ عقب مانده اند بالا بریم. بنابراین دنیای اقتصادی امروز وقتی درباره روستاها بحث می کند دو موضوع را در مدنظر و در دستور کار خود دارد که یکی **افزایش تولید است و دیگری عمران**.

مراد هر چه که باشد و هدف هر چه را که تعیین کنیم در لزوم شناسائی و کشف دوباره و هر چه عمیق تر روستاها هیچ گونه تردیدی بجای نمی ماند. این مسئله مخصوصاً در ممالک توسعه نیافته که ضمناً جمعیتی در حال رشد و افزایش دارند شدت وحدت بیشتری پیدا می کند زیرا این گروه از ممالک گرچه اشتهای صنعتی شان کور است لکن دهانهای باز و شکم های گرسنه بسیار دارند و نکته اینجاست که صاحبان این دهانهای باز و معده های نیم سیر مثل دیگر آدمیان **محمرومیت از نان را کمتر از محرومیت از تمدن صنعتی جدید تحمل می کنند**.

چنانچه مطالب فشرده فوق توانسته باشند این نکته را به خواننده عزیز القا کند که مراکز قدرتهای صنعتی و حکومتی و مدنی جهان ما در حال حاضر در حالیکه پائی استوار در شهرها دارند چشم توقع و دست نیازشان متوجه روستاهاست میتوان اهمیت و لزوم شناسائی روستاها را درک کرده به توضیحاتی درین زمینه پرداخت.

روستاشناسی بصورت يك علم تا کنون در نوشته ها از آن کمتر سخن رفته است و شاید استعمال این کلمه مرکب هم تا آنجا که نگارنده میدانم بی سابقه باشد. در زمره علوم جدید علم شهرشناسی جایی فرا خور خود باز کرده است و لکن از شناسائی روستاها سخنی به میان نیامده است. نباید پنداشت که محتویات روستاشناسی عین شهرشناسی است و نباید استدلال کرد که شهر

وده تنها در مقیاس ازمهم متفاوت اند زیرا آنچه در روستاشناسی مورد نظر است بسی وسیعتر از شهرشناسی و تا حدود زیادی دور از توضیحات غیر واقعی جغرافیدانان قدیم و بمراتب عمیقتر و رساتر تحلیل‌های یک جامعه‌شناس و یا گزارش یک مهندس کشاورزی است .

بلحاظ ضرورت و اهمیت طرح موضوع برای جامعه خودمان و مقتضیات روز کشورمان ایران از شناسائی روستا و روستاشناسی در دیگر کشورها فعلا می‌گذریم و آنچه در اینجا میشود و بآنچه باید بشود می‌پردازیم .

تا کنون رسم برین بوده است که برای اقدام بسرمایه‌گذاری و یا ادخال امر عمران در یک روستا قبلا مأمورین و متخصصینی چند بدانجا گسیل میدارند تا هر یک موضوعات مربوط به آن ناحیه را بحسب تخصص خود گزارش کنند و کمتر اتفاق افتاده است که مرکزی مجعوعه این گزارشها و اطلاعات را یک کلمه کرده و راهی باخذ یک نتیجه مسلم بگشاید . بدون تردید میتوان ادعا کرد که ما غالباً اقدامات مربوط بسرمایه‌گذاری و عمران را در عین بی‌اطلاعی و بدون داشتن چراغی که فرا راه ما گرفته شده باشد شروع کرده و گونئی تیری بتاریکی می‌افکنیم . در حالیکه پدیده روستا نیز مثل هر پدیده دیگر در عالم قابل شناسائی است و نباید بی‌اقدام بشناسائی کامل و همه‌جانبه قبلی بهر نوع سرمایه‌گذاری در آنها دست یازید و عالمانه سرمایه‌ملی را بحظر افکند .

اگر قبول کنیم که شناسائی روستاها مقدمه ایست لازم برهر امر عمران و در هر مورد سرمایه‌گذاری ناچار باید حدود و ثغور و محتویات علمی روستاشناسی را روشن بداریم بدیهی است تعریفی بر آن میتواند باین منظور کمک کند .

روستاشناسی عبارت است از معرفت همه‌جانبه به محیط طبیعی و انسانی ده و دریافت استعدادات بالقوه و بالفعل آن بنحوی که این معرفت بتواند راهنمائی صدیق در امر سرمایه‌گذاری و عمران باشد .

باینترتیب نکته‌ای درخور توجه است و آن اینکه این معرفت بایستی همه‌جانبه باشد و این بدانمعنی است که تنها اطلاعاتی چند در یک یا چند زمینه طبیعی یا انسانی یا اجتماعی (مثلا از وضع همواری یا ناهمواری زمین - وضع کشت باعدد جمعیت - آداب و رسوم و درجه فرهنگ و غیره) نمی‌تواند ما را بقضایاتی جامع و کامل و مفید بقائده رهنمون شود .

هر روستا بویژه در ایران واحدی است مستقل و مجعوعه‌ای است کامل . از لحاظ جغرافیائی علمی جدید ده در ایران کوچکترین واحد تجمعی جغرافیائی است و هر گونه تحقیق و علم و اطلاعی که کمال و جامعیت کافی نداشته باشد قادر به توضیح و تعریف و شناسانیدن آن نیست .

روستا را نمیتوان بطریق انتزاعی و تجریدی مطالعه کرد . بهمین دلیل است که هیچ متخصصی نمیتواند بدون توجه بدیگر موضوعات و واقعیات موجود دیگر ده تنها به تحقیق درباره موضوع انتزاعی مورد نظر خود بپردازد . فی‌المثل وضع آب از بی‌اطلاع از وضع جغرافیائی

و طبقات زمین و چگونگی نوسانات اقلیمی نمی‌توان مطالعه کرد. همچنین آگاهی بر وضع زمینهای زیر کشت و یا انواع کشت بدون اطلاع از وضع خاک و پوشش گیاهی طبیعی و زراعی غیر ممکن است و بالاخره اطلاع از درآمد سرانه ما را به تحقیق دربارهٔ بسیاری از فعالیتها و استعدادات مردم و منطقه مورد بحث میکشاند.

از لحاظ روش در مورد يك ده بهر مقصود و منظور که دست به تحقیق زده باشیم لازمست نخست **کلی ده** را باز شناسیم و از هر گونه تحقیق تجریدی پرهیزیم. همچنین باید قبول کنیم که شناسائی روستاها بر اساس **قیاس** امریست نادرست و روستاشناسی غالباً متوجه استقرای خواهد بود. روستاشناسی در عمل از کلیهٔ علوم مجاور و بیش از همه از جغرافیای انسانی الهام میگردد. اصل **کلی بینی** و دریافت ده بعنوان **يك کلی** و **يا يك واحد جغرافیائی و انسانی** را بدون شک از علم اخیر میگردد و پس از آن دیگر علوم مجاور و از آنجمله **جامعه‌شناسی و آمار و اقتصاد روستائی** بوی مدد خواهند کرد. بدیهی است چنانکه موضوع مورد تحقیق مجموعهٔ روستا را در بر نگیرد کار تحقیق در پایان متوجه روش علمی همان بخش از تحقیق خاص خواهد شد.

بدون شک هر زمان که مراد بررسی يك یا چند موضوع معین و محدود و قابل محاسبه باشد توسل به روش **قیاس** حتمی است. همچنین در هر يك از بررسی‌های تجریدی (مثلاً صرفاً اقتصادی یا تولیدات کشاورزی و یا دامپروری و یا در زمینهٔ صنایع روستائی و یا بازاریابی و بالاخره مسکن و نوسازی ده و غیره) از روشهای خاص همان زمینهٔ علمی لزوماً استفاده خواهد شد.

با توجه بمطالب بالا میتوان چنین خلاصه کرد که روستاشناسی مطابق تعریفی که متضمن محتوی آنست (معرفت همه جانبه به محیط طبیعی و انسانی ده) و با توجه به خصیصهٔ ناشی از وحدت جغرافیائی روستا، علمی است قبل از هر چیز ترکیبی که موضوعات آن صرفاً نیایستی با روش **تجریدی و قیاس** مطالعه و قضاوت شوند.

هدف از شناسائی و درک روستا در حقیقت یافتن اطمینان از نتایج سرمایه‌گذاری و ارائهٔ طرق عمران و توفیق در ادارهٔ روستاهاست. این شناسائی و معرفت در چند زمینه که حدود این علم را ضمناً میرساند حتمی است:

- ۱- شناسائی محیط طبیعی.
- ۲- « « « انسانى و اقتصادى.
- ۳- « « « اجتماعى.
- ۴- زندگى و کار در روستا.

در هر يك از چهار نوع شناسائی فوق دواصل را نباید فراموش کرد. که عبارت‌اند از:

۱- ارتباطات طبیعی و منطقی و علمی بین موضوعات مورد مطالعه.

۲- مطالعه یکجای انسانها و قلمرو طبیعی و کار و حیات آنها.

جنبه دیگر و مزیت خاص روستاشناسی در آنستکه نه تنها مقدمه هر نوع تحقیق روستائی

است بلکه راهنمای آخرین و کلید مسلم کار مأمورین و مدیران و مسئولان امور روستاهاست . روستاشناسی نه تنها درس آشنائی بمحیط طبیعی و انسانی روستاهاست بلکه وسیله یافتن طرق و روشهایی است که بر اثر آنها میتوان هر چه بیشتر در جامعه روستائی علماً و اخلاقاً و از روی آگاهی نفوذ کرد و احیاناً در نقش یکی از مسئولان عمران و کشاورزی و دامپروری راه بهتر ساختن زندگی مردم را هموار داشت. عدم توفیق مأمورین ما در روستاها پیش از هر چیز مربوط به عدم اطلاعی است که نسبت بمحیط و جامعه روستائی دارند .

در شرایط فعلی که بر اثر اهمیت نقش روستاها دستگاههای دولتی مأمورین متعدد و گوناگونی تحت عناوین : **بخشدار و سپاهی دانش و کدخدای رسمی و دهیار و مأمور عمران** و سرپرست شرکت تعاونی و سپاهی بهداشت و سپاهی ترویج و عمران بر روستاها گسیل میدارند تعلیم روستاشناسی باین همسران عمران و زندگی بهتر فوق العاده ضرورت دارد و جای شگفتی نیست اگر سازمانهای مربوط خویشتن را بی نیاز از مؤسسات علمی مربوط نمی دارند. تجربیات اخیر در مورد کلاسهای سرپرستی شرکتهای تعاونی و کلاس بخشداران و مأموران عمران مؤید این نظر بوده و می باشد .

شناسائی يك روستا از شناسائی محیط طبیعی آن شروع میشود . مطالعه رابطه محیط طبیعی با وضع زندگان و گروه جماعات انسانی ساکن آن امریست غیر قابل اغماص و اما کسب اطلاعات مربوط به محیط طبیعی يك روستا نباید صرفاً مبتنی بر مدارك و منابع پیشینیان (که معمولاً از حدود مراجعه بيك الی دو کتاب و نشریات آماری تجاوز نمی کند) باشد بلکه صحیح آنست این مطالعه را هر چه بیشتر بر پایه مشاهدات و مطالعات مستقیم و کار در روی زمین محل و منطقه مورد نظر متکی کنیم. بدیهی است برای اینکار **لازمست روستاشناس سواد خواندن کتاب طبیعت** را داشته باشد. يك نکته در اینجا قابل تأمل است و آن اینکه شرایط حیات در هر منطقه و در هر واحد جغرافیائی خاص خود آنست. از لحاظ اکولوژی ممکن است احکامی نسبی درباره کشورها صادر کرد. اما این احکام همیشه محلاً صادق نمی افتد و مخصوصاً در باره فلات ایران لازمست **بیاد آوریم که پدیده زندگی در فلات ایران واقعیتی است محلی و نه کلی و عمومی و همه جاگیر.** همین حکم و همین واقعیت ما را بیشتر به لزوم مطالعه تك تك روستاها واقف می سازد .

گوئی حیات در سطح فلات هر جا که شرایط آن فراهم و مشخصات آن مهیا بوده است بصورت چشمههایی روستائی جوشیده است اما ندرتاً این سرچشمهها بهم پیوسته و قلمرو حیاتی پررهنما و مهم و مستقلی را تشکیل داده اند. درینصورت هر چشمه ضمن آنکه مستقل و متمایز از دیگر چشمههاست و لازم است جداگانه مطالعه شود خواه ناخواه از لحاظ عمومی و جوه استراکی نیز بادیگران پیدا می کند. مگر نه اینکه حداقل هر دسته از این چشمههای زندگی زای روستائی در يك بخش و یا در يك واحد هماهنگ و هموزن قرار دارند و مجموعه این بخشها در واحد

منطقه‌ای و سپس در واحد ایالتی و کشوری جای می‌گیرند که خود در هر مرحله واجد وحدت لازم اند .

بنابراین شناسایی روستاها در آخرین حدود و در صورت تکمیل می‌تواند ما را به استخراج قوانین عمومی و روستاشناسی راهبری کند. چنانکه در زمینهٔ دموگرافی بعد از طبقه‌بندی دهات به حسب عدد جمعیت آنها بسیاری از نکات پوشیده هویدا گردید.

بعد از وقوف به مسائل طبیعی اکولوژیک منطقه شناسایی زندگی انسانی مشتمل بر نوع معیشت و محیط اقتصادی مردم آن ضرورت دارد و پس از آن یعنی در مرحله سوم مسائل اجتماعی و اداره روستا و بالاخره تحلیل و آداب و رسوم و سرانجام بررسی روانشناسی کارزیست در روستاها مورد نظر قرار خواهد گرفت .

باین ترتیب اساس کار در روستاشناسی چنان باید باشد که هر چه بیشتر جامعه و محیط نسبتاً مهجور روستائی را درک کرده از طریق تسلط بر نقاط ضعف و قوت آن بر نابسامانی‌های آن بکمک مردم آن فائق آئیم .

روستاشناسی تا کنون از حدود رسالات مفرده (مونوگرافی) و یا گزارش‌های کوتاه و بلند نیده تاریخی و نیمه‌جغرافیائی و بیشتر تاریخی یا جغرافیائی تجاوز نکرده است. این قبیل آثار اگر بر اساس علمی قرار گرفته باشند می‌توانند مقدمات خوبی برای این رشته از معرفت لازم و ضروری در کشورهای نظیر کشور ما باشند و لکن کار بهین‌جا هرگز خاتمه نمی‌یابد چه این علم لازمست قوانین خود را بر اساس مبانی مستحکم خود کشف کند و سرانجام بصورت دلخواهی چون چراغی فراراه محققین مسائل روستائی و سازمانهای عمرانی و اقتصادی و مأمورین روستاها قرار گیرد .

جای آنست که اعلام شود در حال حاضر روستاشناسی اگر نه بصورتی قاطع بطرزی منطقی در حدود تفحصات انجام شده موجودیت علمی و فوائد عملی خویش را اعلام داشته‌است و دیر نخواهد پائید که این علم در دانشگاهها تدریس شود و قوانین مکشوفه و عملی آن در رفع اختلاف سطح زندگی موجود میان ده و شهر که هدف غائی تمدن جدید است مؤثراً مفید واقع خواهد شد.